

## بررسی عوامل سیاستی موثر بر واردات بخش کشاورزی در ایران با تاکید بر تعرفه

ولی الله فریادرس<sup>۱</sup> و سید حامد سادات باریکانی

### چکیده

واردات محصولات کشاورزی متأثر از عوامل سیاستی و غیر سیاستی مختلفی است که برخی از آنها دارای قابلیت انعطاف پذیری و برخی نیز تابع سیاستهای کلان و محیطهای بیرونی هستند. تعرفه یکی از متغیرهای سیاستی است که قابلیت انعطاف پذیری بیشتری داشته و تصمیم گیران بخش کشاورزی تا حدودی در تعیین آن نقش دارند. در سه دهه گذشته جریان واردات در بخش کشاورزی به شدت متأثر از موانع غیر تعرفه ای بوده است. اما در سالهای اخیر، اجرایی نمودن ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم و بند (ز) ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم (حذف موانع غیر تعرفه ای) واردات محصولات غذایی و کشاورزی را افزایش داد. لذا کنترل واردات با ابزارهای قانونی انعطاف پذیر موجود (تعرفه) به منظور اجتناب از آسیب جدی تولید داخلی به یکی از دغدغه های اصلی تصمیم گیران بدل شده است. لذا به منظور درک اثرات حذف موانع غیر تعرفه ای و اطلاع از آثار سایر متغیرها و سیاستها بر واردات، با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۳۸۷-۱۳۶۰ متغیرهای اثر گذار در تحدید و تشدید واردات کشاورزی شناسایی شده اند. بر اساس نتایج بدست آمده، نرخ ارز و درآمدهای نفتی اثر مثبت بر واردات دارند و متغیرهای شاخص نسبی قیمت واردات به عمده فروشی داخل، تعرفه و شاخص موانع غیر تعرفه ای اثر منفی بر واردات دارند. افزایش صددرصدی درآمدهای نفتی به رشد نزدیک به ۴۰ درصدی واردات، افزایش صددرصدی نرخ ارز (کاهش ارزش پول ملی) به کاهش ۲۵ درصدی واردات، افزایش صددرصدی قیمت وارداتی به قیمت عمده فروشی داخل به کاهش ۳۰ درصدی واردات، افزایش صددرصدی موانع غیرتعرفه ای به کاهش ۲۷ درصدی واردات و افزایش صددرصدی تعرفه ها به کاهش ۱۷ درصدی واردات کشاورزی می انجامد.

طبقه بندی JEL: F13, Q17, Q18

واژه های کلیدی: واردات، بخش کشاورزی، تعرفه، موانع غیر تعرفه ای

### مقدمه

رشد کشاورزی با ایجاد تعامل غیر بازاری بین بخش کشاورزی و بقیه اقتصاد دارای آثار مثبت بر شاخصهایی نظیر امنیت غذایی، حذف فقر و عرضه خدمات محیطی است (سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد، ۲۰۰۴). در حالی که آثار مستقیم کمک به کشاورزان قابل لمس بوده و به راحتی قابل اندازه گیری هستند، بخش عمده ای از آثار غیرمستقیم از دایره ارزیابی خارج هستند. شواهد تجربی محکمی دال بر ارتباط مثبت بین رشد کشاورزی و توسعه اقتصادی وجود دارد (والدز و فوستر، ۲۰۰۵). اما آنچه که امروزه مطرح است

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی و پژوهشگر موسسه پژوهش های برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی

توجه به توانمندیهای بخش کشاورزی در مواجهه با جهانی‌سازی است. جهانی‌سازی باعث رشد سریع تجارت جهان و کاهش هزینه اطلاعات و ارتباطات می‌شود. از سویی منافع بالقوه تجاری برای بخش کشاورزی از سه جنبه افزایش می‌یابد. افزایش مستقیم دامنه عمل بخش کشاورزی برای رقابت در عرصه جهانی، دستیابی به منافع دسترس‌پذیر به بازارهای جهانی به ویژه در شرایطی که مزیت نسبی وجود دارد و اثرات غیر مستقیم افزایش تجارت جهانی بر رشد بخشهای غیر کشاورزی که باعث تغییر تقاضای داخلی مواد غذایی از جنبه کمی و کیفی می‌گردد، از جمله منافع این بخش است (پینگالی و استینگر، ۲۰۰۴). بازار مواد غذایی در کشورهای در حال توسعه به واسطه شهرنشینی سریع، تنوع رژیمی، همگرایی تجاری و آزادسازی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنعت غذایی دستخوش تغییرات اساسی است. افزایش واردات مواد غذایی، ادغام (همگرایی) عمودی زنجیره عرضه مواد غذایی و تجاری و متنوع شدن سیستمهای تولید داخلی عمده ترین تغییرات در این راستا هستند.

با ورود کشور به عرصه جهانی سازی و عضویت در سازمان جهانی تجارت، واردات یکی از مقولات بسیار مهم در بخش کشاورزی خواهد بود که بر تولید داخلی و قدرت رقابتی این بخش اثر جدی خواهد گذاشت. در این میان در پیش گرفتن سیاستهای تجاری مناسب نیازمند شناخت دقیق از ابزارهای موجود و نحوه اثرگذاری آنها در تحدید واردات است. در طول سه دهه گذشته جریان واردات در بخش کشاورزی در چنبره انبوهی از ابزارهای کمی و غیر کمی گرفتار بوده است (فریادرس و مقدسی، ۱۳۸۳). ضمن اینکه در طول این سالها به کرات محیط و جریان سیاستگذاری تغییر نموده و اثرات متفاوتی از خود به جای گذاشته‌اند. می‌توان گفت که تا سالهای پایانی دهه ۷۰ واردات این بخش به طور کامل تحت پوشش انواع موانع غیر تعرفه ای نظیر ممنوعیت و مجورهای ورود چندگانه از ارگانهای مختلف بوده است. در طول این سالها نرخ ارز نیز یکبار دچار تغییر اساسی شده و متعاقب آن نرخهای اسمی تعرفه نیز دستخوش تغییر شده‌اند. ضمن اینکه در طول سالهای جنگ، سیستم جیره‌بندی و واردات دولتی به شدت رواج داشته است. با شروع برنامه سوم توسعه به تدریج از شدت و مقدار موانع غیرتعرفه‌ای کاسته شده است و نهایتاً در راستای اجرای ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم در سال ۱۳۸۲ این موانع به طور کلی حذف شدند. اما ماده ۱۱۵ این قانون به طور کامل اجرایی نشد. در این ماده تصریح شده بود که موانع غیر تعرفه ای غیر فنی و غیر شرعی حذف و با تعرفه معادل جایگزین شوند، اما آنچه که در عمل اتفاق افتاد حذف این موانع بود و تعرفه معادل موانع غیر تعرفه ای بر کالاها وضع نشد و در واقع فرایند تعرفه ای کردن موانع غیر تعرفه ای به طور ناقص اجرایی شد. ضرورت تأمین خودکفایی در بخش کشاورزی، خصوصاً خودکفایی در تولید محصولات استراتژیک، سبب شده است که سیاستگذاران ضمن تحلیل کارایی روشهای فعلی تأمین و بازاررسانی مواد غذایی، در پی شناخت عوامل مؤثر بر واردات و تولید محصولات کشاورزی باشند (کمیجانی و همکاران، ۱۳۸۰). افزایش واردات محصولات کشاورزی در تعدادی از محصولات عمده بحدی می‌باشد که ایران در واردات محصولاتی مانند برنج، شکر و روغن‌های نباتی به یکی از بزرگترین واردکنندگان این نوع محصولات در سطح جهانی تبدیل شده است. بعبارت دیگر رشد سریع جمعیت تقریباً تمام تلاشها و سیاستهایی را که در جهت خودکفایی و کاهش واردات انجام شده بود، خنثی نموده و واردات محصولات را با روند صعودی روبرو ساخته است (کمیجانی و همکاران، ۱۳۸۰). در سالهای اخیر واردات محصولات کشاورزی رشد شتابان یافته است، به گونه ای که رقم واردات مواد غذایی و کشاورزی به نزدیک ۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۷ رسید. لذا کنترل واردات با ابزارهای قانونی در اختیار به منظور اجتناب از آسیب جدی تولید داخلی به یکی از دغدغه های اصلی تصمیم گیران بدل شده است. در حالی که متوسط واردات محصولات غذایی و کشاورزی در طی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ حدود ۲۷۴۰ میلیون دلار بوده است، این مقدار طی دوره ۷۵-۱۳۶۸ به فراتر از ۲۵۸۱ میلیون دلار کاهش یافته است. اما در دوره ۸۳-۱۳۷۶ ارزش واردات مواد غذایی و کشاورزی به ۲۶۳۸ میلیون دلار افزایش یافته و در ادامه و طی دوره ۸۷-۱۳۸۴ با افزایش ۱۱۰ درصدی نسبت به دوره قبل به حدود ۵۵۵۴ میلیون دلار افزایش یافته است. از این رو نظر به ارتباط تنگاتنگ بخش کشاورزی با رشد اقتصاد ملی، امنیت

غذایی و رفاه جامعه و با توجه به اثر گذاری واردات کشاورزی بر تولید و شکوفایی این بخش شناسایی عوامل موثر بر واردات کشاورزی ضروری بوده و لازم است عوامل کمی و کیفی موثر بر آن مورد ارزیابی قرار گیرند. اما آنچه در این میان بسیار حائز اهمیت است و تحقیق حاضر نیز بیشتر به دنبال بررسی آن است، بررسی روند تغییرات و دگرگونیهای متغیر تعرفه و نحوه اثرگذاری آن بر واردات است. ارزیابی دقیق این تغییر از انجا حائز اهمیت است که این متغیر یکی از محدود متغیرهای نسبتاً انعطاف پذیر است که تصمیم گیران بخش کشاورزی (تا حدودی) امکان دخالت در تعیین آن را دارا هستند. این در حالی که متغیرهای دیگر نظیر نرخ ارز، درآمد ارزی و شاخص قیمتها تابع سیاستهای کلان تر و و محیط بیرونی هستند. لذا در تحقیق حاضر تلاش شده است تا واردات بخش کشاورزی با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۳۸۷-۱۳۶۰ مدل سازی شده و متغیرهای اثر گذار در تحدید و تشدید واردات شناسایی شوند. در این مطالعه برای نخستین بار مدل وارداتی بخش کشاورزی با استفاده از سری زمانی متوسط تعرفه های بخش کشاورزی و ممنوعیت ورود به عنوان شاخصی از موانع غیر تعرفه ای برآورد شده است.

## روش تحقیق

در بحث تصریح توابع تقاضا امروزه علاوه بر شیوه سنتی و تصریح تابع تقاضا با بهره گیری از متغیرهای نرخ ارز، نسبت قیمتها و درآمد ملی در بسیاری از مطالعات از متغیرهای سیاستی نظیر محدودیتهای ارزی و تجاری نیز استفاده می گردد. در واقع با توجه به هدف مطالعه در تصریح توابع تقاضای واردات متغیرهای دیگری نظیر تعرفه، موانع غیر تعرفه ای، درآمدهای ارزی، تولید داخلی کشاورزی، واردات با تاخیر زمانی و ... نیز مشاهده می شود. در بحث روشهای برآورد توابع تقاضا نیز طیف وسیعی از ابزارها و روشهای برآورد از روشهای سنتی حداقل مربعات تا شیوه های نوین استفاده از روشهای هم جمعی و همگرایی و از مومن کرانه ها استفاده می گردد. در خصوص نتایج توابع تقاضا نیز بسته به دوره زمانی، نوع محصول، شیوه تصریح و برآورد و کشور مورد مطالعه نتایج متفاوت است. در زمینه تصریح معادلات توابع تقاضای محصولات نیز روشهایی نظیر تصریح و برآورد تک معادله ای و روش AIDS مورد استفاده قرار گرفته است. در این مطالعه با توجه به اینکه هدف مطالعه ارزیابی جامعی از اثر متغیر سیاستی تعرفه بر جریان واردات محصولات کشاورزی است تلاش شده است تا برآورد تک معادله ای اثرات متغیرها شناسایی گردد. تابع واردات از الگوی جانیشینی ناقص که در آن واردات و تولیدات داخلی جانشین غیر کامل یکدیگر محسوب می شوند، پیروی می کند (نصرالهی، ۱۳۸۳) و کارن (۱۹۹۶) بیان می کنند که روش ساده و مرسوم برای تخمین تابع تقاضای واردات کل در مدل جانیشینی ناقص، بکارگیری یک تابع تقاضای مارشالی است که مقدار واردات تقاضا شده یک کشور را بوسیله درآمد واقعی آن، قیمتهای وارداتی و جانیشینی داخلی آن که در شرایط ثابت اندازه گیری شده اند شرح می دهد. بر پایه ادبیات مطالعات تجربی و کاربردی محسن خان (۱۹۷۴)، گلدشتاین (۱۹۷۶) و هاتاگر و مگی (۱۹۶۹)، توفیقی و محرابیان (۱۳۸۱) و ابریشمی و همکاران (۱۳۸۵)، درآمد واقعی و سطح قیمتهای نسبی یعنی نسبت قیمتهای وارداتی به قیمتهای داخلی بعنوان مهمترین متغیرهای توضیحی در تابع تقاضای واردات منظور می شوند. یکی از مهمترین نکاتی که در طراحی مدل باید به آن توجه شود، این است که ایران به عنوان واردکننده در عرصه تجارت بین الملل، یک کشور کوچک است و لذا تحت تأثیر قیمتهای جهانی می باشد. با توجه به این مطلب قیمت نسبی برای هر محصول بصورت برونزا و معین می باشد. بنابراین تابع تقاضای واردات در حالت کلی با فرض برونزا بودن قیمت نسبی و درآمد واقعی بشکل زیر است:

$$M_{jt} = f\left(\frac{P_{mj}}{P_{dj}}, Y_t; \alpha_j\right) \quad (1)$$

در رابطه فوق  $M_{jt}$  ارزش واردات محصول  $j$ ،  $\frac{P_{mj}}{P_{dj}}$  نسبت قیمت وارداتی به قیمت داخلی محصول  $j$ ،  $Y_t$  درآمد واقعی و  $\alpha_j$  جزء ثابت می باشد. در رابطه فوق انتظار می رود:

$$\frac{\partial M}{\partial \frac{P_m}{P_d}} < 0 \quad \frac{\partial M}{\partial Y} > 0$$

با توجه به ساختار اقتصادی ایران و وجود رابطه نزدیک بین درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و واردات، مطابق مطالعه نوری و یزدانی (۱۳۷۹)، کمیجانی و همکاران (۱۳۸۰)، پیرایه (۱۳۸۲)، توفیقی و محرابیان (۱۳۸۱) و رحیمی و رازینی (۱۳۷۴) در تابع تقاضای واردت محصولات مورد نظر، بجای درآمد واقعی از درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت ( $R_t$ ) در الگو استفاده شده تابع مورد نظر بشکل زیر درمی آید:

$$M_{jt} = f\left(\frac{P_{mj}}{P_{dj}}, R_t, \alpha_j\right) \quad (2)$$

در رابطه فوق انتظار می رود:

$$\frac{\partial M}{\partial R} > 0$$

از آنجا که واردات محصولات مختلف، مخصوصاً محصولات اساسی برای تأمین مازاد تقاضا بر تولید داخلی صورت می گیرد، لذا مقدار تولید داخلی محصولات فوق ( $Q_t$ ) بعنوان یک متغیر اساسی در تصمیم گیری برای واردت محسوب و در مدل وارد می گردد:

$$M_{jt} = f\left(\frac{P_{mj}}{P_{dj}}, R_t, Q_{jt}, \alpha_j\right) \quad (3)$$

در رابطه فوق انتظار می رود:

$$\frac{\partial M}{\partial Q} < 0$$

از طرف دیگر علاوه بر متغیرهای اقتصادی مؤثر بر واردات، متغیرهای غیر اقتصادی از جمله قوانین و مقررات با انواع محدودیت نیز بر واردات مؤثر است. بنابراین تعرفه ها و موانع غیر تعرفه ای به عنوان شاخص اثر منفی مالیاتهای تجاری بر روی رشد واردات در تابع وارد شدند.

حال یک تعرفه ارزی را در نظر بگیرید که به ازاء هر واحد ارزش مقدار مشخصی برای تقاضای واردات معادله (۳) است. تعرفه قیمت کالا را به  $(1+t)p$  افزایش می دهد بنابراین تغییرنسبت قیمتتها را سبب می شود. بنابراین مطابق مطالعه ژو و همکاران (۲۰۰۱)، میلجکویک (۲۰۰۴)، ثاقب و محرابی (۱۳۸۵) و ابریشمی و همکاران (۱۳۸۵) اثر فوق الذکر بطور مستقیم در تابع تقاضای واردات لحاظ گردد:

$$M_{jt} = f\left(\frac{P_{mj}}{P_{dj}}, R_t, Q_{ij}, T_{ij}; \alpha_j\right) \quad (4)$$

انتظار می‌رود:

$$\frac{\partial M}{\partial T} < 0$$

موانع غیر تعرفه ای نیز اثری شبیه تعرفه در تابع تقاضای واردات دارد و تابع واردات به شکل زیر قابل تصریح است:

$$M_{jt} = f\left(\frac{P_{mj}}{P_{dj}}, R_t, Q_{ij}, T_{ij}, NT_{ij}, \alpha_j\right) \quad (5)$$

انتظار می‌رود:

$$\frac{\partial M}{\partial NT} < 0$$

نرخ ارز نیز از جمله عواملی است که دستکاری در آن می‌تواند جریان واردات را تحت تاثیر خود قرار دهد. لذا در مطالعه حاضر نرخ ارز نیز (قیمت ریالی هر واحد دلار آمریکا) در تابع واردات وارد شده است.

$$M_{jt} = f\left(\frac{P_{mj}}{P_{dj}}, R_t, Q_{ij}, T_{ij}, NT_{ij}, EX, \alpha_j\right) \quad (6)$$

انتظار می‌رود:

$$\frac{\partial M}{\partial EX} < 0$$

در انجام تحقیق حاضر، طیف گسترده ای از اطلاعات کلان مورد استفاده قرار گرفته است. اطلاعات مورد نیاز شامل میانگین اسمی تعرفه‌های بخش کشاورزی، شاخص قیمت وارداتی/ قیمت عمده فروشی داخلی، نرخ ارز، تولید داخلی بخش کشاورزی، درآمد نفتی کشور و سهم ردیف‌های ممنوع الورد به عنوان شاخص موانع غیر تعرفه‌ای از منابع مختلف به شرح زیر به دست آمده‌اند. میانگین اسمی و سهم ردیف‌های ممنوع الورد از مؤسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، شاخص قیمت عمده فروشی داخلی به قیمت ثابت با استفاده از شاخصهای عمده فروشی بانک مرکزی برای بخش کشاورزی محاسبه شده است، شاخص قیمت واردات به قیمت ثابت با استفاده از آمارنامه‌های وارداتی گمرک جمهوری اسلامی ایران برای بخش کشاورزی محاسبه شده است و تولید داخلی کشاورزی و درآمد نفت از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای دوره ۱۳۶۰-۱۳۸۷ به دست آمده‌اند.

## نتایج و بحث

با توجه به اینکه داده های سری زمانی مورد استفاده قرار گرفته است و به منظور اجتناب از رگرسیون ساختگی در ابتدا ایستایی داده ها مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج بررسی ایستایی داده ها نشان داد که داده های مورد استفاده (1) I هستند و با یک مرتبه تفاضل گیری ایستا شده‌اند. لذا برای استفاده از متغیرها بدون تفاضل گیری در مدل همگرایی متغیرها مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج

ازمون همگرایی یوهانسن وجود همگرایی بین متغیرها را در سطح ۵ درصد تایید نمود. لذا برآورد معادلات در سطح متغیرها بدون اشکال تشخیص داده شد. (به منظور اجتناب از افزایش حجم مقاله از ارائه نتایج در اینجا پرهیز شده است).

جدول (۱) - نتایج برآورد تابع واردات بخش کشاورزی

عارض از مبدا C	نرخ ارز EX	نسبت قیمت‌ها $\frac{P_m}{P_d}$	تولید کشاورزی Q	درآمد ارزی R	تعرفه T	مانع غیر تعرفه‌ای NT
10424.57 (4.02)	-0.94 (-3.90)	-1885.73 (3.45)	9.121 (0.30)	0.054 (6.40)	-20.66 (-1.70)	-40.35 (-2.91)

R<sup>2</sup>= 0.84

DD= 2.41

مأخذ: یافته‌های تحقیق

(ارقام داخل پرانتز آماره t مربوط به متغیرهای مستقل می‌باشند)

همانگونه که مشاهده می‌شود نرخ ارز دارای اثر منفی بر واردات است، لذا با توجه به تعریف در نظر گرفته شده در این مطالعه برای نرخ ارز این نتیجه دلالت دارد که هر چه از قدرت پول ملی کاسته شود از میزان واردات کاسته می‌شود. به عبارت روشنتر جریان کنترل شناور نرخ ارز که به تقویت پول ملی انجامیده به عنوان عاملی در جهت افزایش واردات عمل می‌نماید و چنانچه سازوکار تعیین نرخ ارز به طور کامل به بازار سپرده شود امکان کاهش ارزش پول ملی و در نتیجه کاهش واردات وجود دارد. در واقع ضریب به دست آمده در این مطالعه نشان می‌دهد که به ازای یک واحد تغییر نرخ ارز ۹۴٪ واحد از مقدار واردات کاسته می‌شود. با توجه به واحد‌های در نظر گرفته شده در این مطالعه ضریب فوق به این معنی است که چنانچه دلار به طور متوسط یک ریال گران تر شود میزان واردات ۹۴۰ تن کاهش می‌یابد که این وضعیت در واقع بیان کننده این واقعیت است که افزایش ۱۰۰ درصدی نرخ ارز به کاهش ۲۵ درصدی واردات محصولات کشاورزی می‌انجامد. وضعیت شاخص قیمت واردات به عمده فروشی داخلی نیز نشان می‌دهد که با افزایش این شاخص و گران تر شدن کالای کشاورزی در خارج نسبت به قیمت داخلی کالاهای کشاورزی، واردات کاهش می‌یابد. در واقع ضریب فوق نشان می‌دهد که چنانچه قیمت جهانی کالاها نسبت به قیمت داخلی ۱۰۰ درصد گرانتر شود (۲ برابر شود) مقدار واردات کشاورزی ۱۸۸۶ هزار تن کاهش می‌یابد. به عبارت روشنتر افزایش ۱۰۰ درصدی شاخص قیمت واردات به عمده فروشی داخل به طور متوسط منجر به کاهش ۳۰ درصدی واردات شده است. در اغلب مطالعات درآمدهای نفتی کشور به عنوان عاملی که در جریان واردات کشور نقش دارد توجه شده است. نتایج این مطالعه نیز نشان می‌دهد که افزایش درآمدهای نفتی کشور اثر مستقیم بر واردات کشاورزی داشته است و یک میلیارد ریال افزایش درآمدهای نفتی کشور به ۵۴ تن افزایش واردات کشاورزی می‌انجامد. به عبارت دیگر افزایش ۱۰۰ درصدی درآمدهای ارزی به افزایش ۴۰ درصدی واردات می‌انجامد.

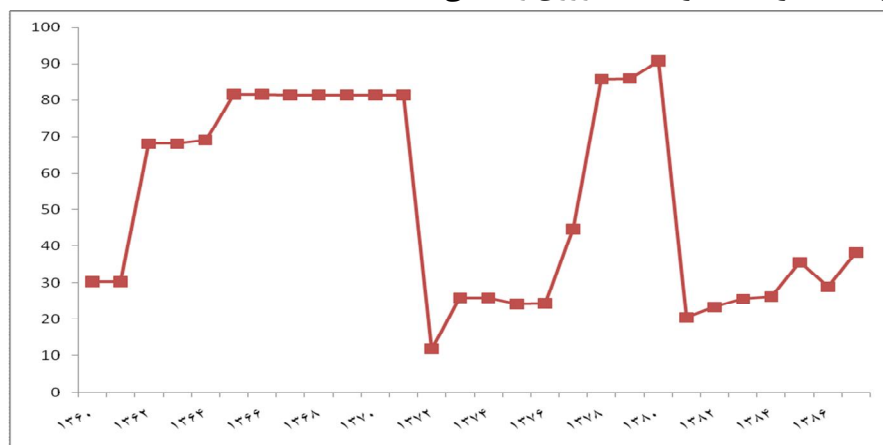
تولید داخلی کشاورزی متغیر دیگری است که نتایج مطالعه نشان می‌دهد اثر معنی داری بر واردات کشاورزی نداشته است. در واقع این نتیجه نشان می‌دهد که جریان واردات و سیاستهای تجاری عموماً فارغ از سیاستها و وضعیت تولیدی بخش کشاورزی طراحی و اجرا شده است و در طراحی سیاستهای تجاری کشور به میزان تولید داخلی بخش کشاورزی توجه چندانی نشده است. به عبارت دیگر

به سیاست واردات کشاورزی به عنوان مکملی برای جبران کمبودهای تولید داخلی نگریده شده است و واردات این محصولات تابع سیاستها و شرایط دیگر قرار گرفته است.

عامل موثر دیگر بر واردات محصولات کشاورزی موانع غیر تعرفه ای است که با توجه به مدل برآورد شده بیش از دو برابر تعرفه ها در تحدید واردات موثر هستند. با توجه به این نتایج شاید یکی از دلایل افزایش سریع واردات محصولات کشاورزی در سالهای اخیر به حذف موانع غیر تعرفه ای (طبق ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم و بند (ز) ماده ۳۳ برنامه چهارم) بر می گردد. نتایج این مطالعه نشان می دهد که کاهش ۱۰۰ درصدی شاخص موانع غیر تعرفه ای به افزایش ۲۷ درصدی واردات کشاورزی می انجامد. به عبارت دیگر افزایش یک درصدی در کالاهای مشمول ممنوعیت ورود کشاورزی به کاهش ۴۰ هزار تنی واردات کشاورزی می انجامد. لذا حذف این موانع بدون اینکه تعرفه متناسب جایگزین آن گردد (به همراه سایر عوامل) به افزایش شدید واردات کشاورزی در سالهای اخیر انجامید.

اما متغیر اثر گذار دیگر بر سطح واردات کشاورزی نرخ تعرفه است، (البته متوسط تعرفه کالاهای کشاورزی در سطح ۱۰ درصد بر واردات کشاورزی موثر است). این امر بیشتر به واسطه کنترل واردات کشاورزی توسط موانع غیر تعرفه ای تا سالهای میانی برنامه سوم و به حاشیه رانده شدن ابزار تعرفه در کنترل واردات است. بدهی است در آینده این ابزار به عمده ترین ابزار کنترل واردات تبدیل خواهد شد و تغییر آن با سطح معنی داری بیشتری بر واردات کشاورزی اثر خواهد داشت. این متغیر با توجه به انعطاف پذیری نسبی و امکان دخالت در تعیین آن توسط تصمیم گیران بخش کشاورزی بیش از سایر متغیرها مد نظر و محل توجه تصمیم گیران بخش کشاورزی است. نتایج این مدل نشان می دهد که در بین متغیرهای اثر گذار بر واردات کشاورزی این متغیر دارای کمترین درجه اثر در تحدید واردات کشاورزی است. یافته های مدل نشان می دهد که ۱۰۰ درصد افزایش متوسط تعرفه محصولات کشاورزی تنها به کاهش ۱۷ درصدی واردات کشاورزی منجر می گردد. نتیجه فوق نشان می دهد که افزایش تعرفه متوسط محصولات کشاورزی به میزان ۱ درصد به کاهش ۲۰ هزار تنی واردات کشاورزی می انجامد. توجه به این نکته ضروری است که افزایش یک درصدی در سطح تعرفه محصولات کشاورزی دارای این مقدار اثر گذاری است و اینکه این افزایش تعرفه در مورد کدام محصول و یا محصولات اتفاق افتد اثرات متفاوتی بر واردات کشاورزی خواهد داشت. در ادامه به منظور واکاوی دقیق تر اثرات تعرفه در تحدید واردات کشاورزی روند ۲۷ ساله میانگین تعرفه محصولات کشاورزی و غذایی ارائه و تحلیل شده است.

نمودار (۱): روند میانگین ساده تعرفه محصولات کشاورزی و غذایی



ماخذ: یافته های تحقیق



آنگونه که نمودار (۱) نشان می دهد میانگین تعرفه محصولات کشاورزی بعد از تغییراتی که در سالهای ابتدایی انقلاب و جنگ تحمیلی داشته است طی یک دوره ۶ ساله (۷۱-۱۳۶۶) در سطح حدود ۸۰ درصد ثابت و بدون تغییر مانده است. آنگاه به دنبال تغییر نرخ ارز در سال ۱۳۷۲ (از دلاری ۷۰ ریال به دلاری ۱۷۵۰ ریال) میانگین تعرفه محصولات کشاورزی نیز به حدود ۱۲ درصد کاهش یافته است. در ادامه طی سالهای (۷۶-۱۳۷۳) مجدداً در سطح حدود ۲۵ درصد تثبیت شده است. با شروع برنامه سوم توسعه و جهت گیری خاص این برنامه در جهت افزایش تعامل با اقتصاد جهانی به تدریج و در راستای اجرایی نمودن ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم توسعه از حجم موانع غیر تعرفه کاسته شد و سرانجام در قدم نهایی در سال ۱۳۸۲ کلیه موانع غیر تعرفه ای (به جزء موانع فنی و شرعی) حذف گردید. حرکت در این مسیر و در شرایطی که با وجود تورم ۲ رقمی موجود در کشور از سال ۱۳۷۲ به بعد تغییری در نرخ ارز ایجاد نشده بود (اگرچه ارز بصورت شناور مدیریت می شد) ضعف نظام تعرفه کشاورزی را در تحدید واردات تا حدودی آشکار نمود. در واقع مشخص شد مادامی که موانع غیر تعرفه ای در نظام تجاری کشور حذف شوند نظام موجود تعرفه کشاورزی با توجه به سطح و نحوه پراکنش تعرفه ها جوابگوی حمایت از تولید داخلی نخواهد بود. لذا میانگین سطح تعرفه ها روند افزایشی در پیش گرفت و تا سال ۱۳۸۰ به حدود ۹۰ درصد افزایش یافت. در سال ۱۳۸۱ به عنوان دومین تغییر سیاستی نرخ ارز از ۱۷۵۰ ریال به ۷۷۵۵ ریال افزایش یافت و به تبع آن میانگین ساده تعرفه کشاورزی به حدود ۲۰ درصد کاسته شد. در واقع سال ۱۳۸۲ به این سو را می توان دوره ارزیابی دقیق نظام موجود تعرفه کشاورزی دانست، چرا که طی این دوره موانع غیر تعرفه ای حذف شده اند و تنها ابزار سیاستی در اختیار تصمیم گیران بخش کشاورزی برای تحدید واردات و حمایت از محصولات کشاورزی تعرفه بوده است. بررسی روند واردات طی این دوره نشان می دهد که واردات محصولات کشاورزی طی این دوره روند افزایشی شدیدی یافته است به گونه ای که تنها واردات تولیدات زراعی و باغی از حدود ۶/۵ میلیون تن در سال ۱۳۸۱ به حدود ۱۴ میلیون تن در سال ۱۳۸۷ رسیده است. ارزیابی تعرفه محصولات کشاورزی و غذایی در این سالها نشان می دهد که به جای حرکت به سمت یک نظام پایدار و قابل اتکا تنها به تغییرات مدام و چندین باره تعرفه محصولات کشاورزی بسنده شده است، به گونه ای که میانگین تعرفه محصولات کشاورزی بین ۲۵ تا ۳۵ درصد نوسان بوده است. البته نوسان میانگین تعرفه محصولات ناشی از تغییر تعرفه محصولات مهم و حساس نبوده و به واسطه اعمال تعرفه بسیار بالا بر محصولات شرعاً ممنوع ورود در برخی از سالها و به حداقل رساندن آن در دیگر سالها بوده است.

## نتیجه گیری و پیشنهادات

در بین عوامل اثر گذار، موانع غیر تعرفه ای در راستای ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم و بند (ز) ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم حذف شده اند. اگرچه بیم آن می رود که تفسیر اشتباه ماده ۱۶ قانون افزایش بهره وری کشاورزی، تبصره ماده ۱۰۳ و تبصره ۲ ماده ۱۴۵ قانون برنامه پنجم به بازگشت به موانع غیر تعرفه ای غیر مجاز منتهی گردد. اما نظر به اینکه استفاده از موانع غیر تعرفه ای غیر مجاز ( نظیر ممنوعیت ورود کالاها) تضاد آشکاری با قوانین سازمان جهانی تجارت دارد به نظر نمی رسد استفاده از چنین ابزارهایی در چشم انداز بلند مدت سیاستهای تجاری بخش کشاورزی محتمل باشد. درآمدهای ارزی کشور، نرخ ارز و شاخص قیمتها نیز از متغیرهایی هستند که تا حد زیادی تابع متغیرهای محیط بیرونی بخش و حتی وضعیت کلی اقتصاد جهانی هستند و لذا امکان اثر گذاری بر آنها بیرون از دایره اختیار و قدرت تصمیم گیران بخش کشاورزی است. اگرچه از منظر تئوریک مسئولان بخش کشاورزی می توانند با انجام اقداماتی (افزایش بهره وری و ...) و کاهش هزینه تولید تا حدی بر شاخص قیمتها اثر گذارند، اما واقعیت این است که با توجه به ارتباطات گسترده بخش کشاورزی با سایر بخشها، امکان اثر سیاستهای بخشی در کنترل هزینه ها از جنبه عملی بسیار محدود است. جهت گیری خاص این مقاله پرداختن به ابزار تعرفه به عنوان مهمترین و اصلی ترین ابزار در اختیار تصمیم گیران بخش کشاورزی در حمایت



از محصولات کشاورزی است و لذا یافته های مطالعه با این جهت گیری تحلیل و تفسیر شده اند. تعرفه تنها متغیر اثر گذار در تحدید واردات است که انتظار می رود بخش کشاورزی به نحو موثری از آن در تحدید واردات کشاورزی استفاده نماید. اما استفاده از این ابزار ظرفیتهایی دارد که عدم توجه به آن می تواند به کم اثر و حتی بی اثر شدن این ابزار منتهی گردد. از جمله بایسته های ضروری استفاده از این ابزار که پشوانه های تئوریک و تجربیات جهانی آن را تایید می کند می توان به پایداری و ثبات نسبی این ابزار (عدم تغییر مدام و حتی ماهانه آن)، گزینش مناسب و پراکنش قابل قبول (به گونه ای که ضمن حمایت از محصولات حساس بخش متوسط کلی تعرفه با معیارهای جهانی فاصله زیادی نیابد) و استفاده از ابزارهای متنوع تعرفه ای به جای استفاده صرف از ابزار تعرفه ارزشی اشاره نمود.

همانگونه که یافته های این مطالعه نشان می دهد درآمد ارزی، شاخص موانع غیر تعرفه ای، درآمد ارزی، نرخ ارز و در نهایت تعرفه دارای بیشترین آثار بر واردات کشاورزی هستند. لذا مادامی که موانع غیر تعرفه ای حذف شده اند، و تصمیم گیری در مورد سایر آثار در اختیار تصمیم گیران بخش کشاورزی نیست، ضرورت دارد از تنها ابزار در اختیار به نحو بسار موثری استفاده نمایند. ابزار تعرفه دارای سه کارکرد اساسی (درآمدی، حمایتی و ارشادی) است. بررسی روند تعرفه در سالهای اخیر نشان می دهد که تعرفه محصولات کشاورزی به کرات و گاهی چند بار در طول یک سال دستخوش تغییر شده است. این در حالی است که آشکار شدن کارکردهای حمایتی و ارشادی تعرفه حداقل به ۲ سال زمان و کارکرد درآمدی به عنوان کارکرد فرعی تعرفه (در کشور نفت خیز ایران) حداقل به یک سال زمان نیاز دارد. از سوی دیگر از محصولات کشاورزی به عنوان محصولاتی با بازار ناپایدار و نوسانی (به خاطر خصوصیات محصولات کشاورزی) یاد می شود. در شرایطی که انواع ابزارهای تعرفه ای (مخلوط، مرکب، سهمیه ای، فصلی و ...) در کشورهای دیگر برای غلبه بر مشکلات بازاری این محصولات مورد استفاده قرار می گیرند، در ایران نظام تعرفه کشاورزی بر ابزار تعرفه ارزشی متکی است که قابلیت حمایت موثر از محصولات را در طول سال دارا نیست. همچنین عدم ارتباط معنی دار بین سطح تولید داخلی بخش کشاورزی با واردات محصولات کشاورزی که از دیگر نتایج قابل تامل این مطالعه است. این یافته نشان می دهد که در اتخاذ سیاستهای تجاری توجه درخوری به تولید داخلی نشده است و به عبارت دیگر این سیاستها بیشتر مصرف گرا هستند. لذا ضروری به نظر می رسد در تدوین سیاستهای تجاری کشور وضعیت تولید داخلی مورد توجه جدی قرار گیرد و سیاستهای تجاری به گونه ای اتخاذ و اجرایی گردند که واردات مکمل تولید داخلی و نه جانشین آن گردد. در این زمینه ضرورت دارد که محصولات حساس و خاص کشاورزی شناسایی شده و مورد حمایت جدی قرار گیرند.

## پیشنهادهای

- ۱- با توجه به اثر بسیار زیاد درآمد ارزی کشور بر واردات مواد غذایی و کشاورزی و عدم اثر گذاری تولید داخلی بر واردات، ضرورت دارد جهت گیری مصرف گرایانه در سیاست تجاری کشور به سمت حمایت از تولید داخلی تغییر یابد.
- ۲- با توجه به اثر مستقیم تقویت پول ملی، اثر معکوس شاخص قیمت وارداتی به شاخص عمده فروشی داخل، متوسط تعرفه محصولات کشاورزی و شاخص موانع غیر تعرفه ای بر واردات کشاورزی ضروری است به سیاستهای ارزی و تجاری به صورت یک بسته مکمل نگریسته شود و از اتخاذ سیاستهای ارزی و تجاری به طور مستقل اجتناب گردد. بدیهی است در این راستا لازم است در شرایطی که اتخاذ سیاست کاهش ارزش پول ملی میسر نباشد از سیاست افزایش تعرفه ها به منظور مکمل سیاست تقویت پول ملی به منظور حمایت از تولید داخلی استفاده گردد.

- ۳- یافته‌های این مطالعه نشان داد که موانع غیر تعرفه‌ای نزدیک به دو برابر موانع تعرفه‌ای در تحدید واردات کشاورزی نقش داشته‌اند. لذا ضروری است مواد ۱۱۵ قانون برنامه سوم و بند (ز) ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم به طور کامل اجرایی شده و در ازای حذف موانع غیر تعرفه‌ای، تعرفه متناسب جایگزین گردد.
- ۴- با توجه به تاثیر ۳۰ درصدی کاهش قیمت واردات به عمده فروشی داخل در افزایش واردات ضروری است با گسترش تکنولوژی، بهینه‌سازی ساختار تولید و رعایت الگوی کشت منطبق بر مزیت نسبی از افزایش هزینه تولید و قیمت‌های داخلی جلوگیری شود.
- ۵- به دلایل برشمرده در نتیجه‌گیری، تعرفه به عنوان تنها ابزار کنترلی در اختیار تصمیم‌گیران بخش کشاورزی، دارای کمترین اثر در تحدید واردات است. ضرورت دارد به منظور ایجاد حمایت موثر و هدفمند از بخش کشاورزی سطح، پراکنش و نحوه استفاده از ابزار تعرفه در نظام تجاری بخش کشاورزی مورد بازنگری جدی قرار گیرد. در این راستا ضرورت دارد ضمن استفاده از ابزارهای متنوع تعرفه‌ای (مرکب، مخلوط، سهمیه‌ای، فصلی و ...)، ضمن شناسایی محصولات حساس و خاص کشاورزی، سطح و پراکنش تعرفه محصولات کشاورزی به نحوی تعیین گردد که پایداری و اثرگذاری آن به سطح قابل قبول افزایش یابد.

## منابع

- ابریشمی، ح. و همکاران، ۱۳۸۵. تأثیر آزادسازی تجاری بر رشد صادرات و واردات، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۰. پیرایه، م. ۱۳۸۴. بررسی آثار جهانی شدن بر تقاضای واردات شکر ایران. پژوهشها و سیاستهای اقتصادی. شماره ۱. توفیقی، ح. و محرابیان، ا. ۱۳۸۱. بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای واردات کالاهای مصرفی، سرمایه‌ای و واسطه‌ای، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۳.
- ثاقب، ح. و محرابی، ل. ۱۳۸۵. بررسی آثار رفاهی کاهش موانع تعرفه‌ای ایران در تجارت با گروه D8، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۰.
- رحیمی، ع. و رازینی، ا. ع. ۱۳۷۴. سیاستهای حمایتی با تاکید بر سیاستهای بازرگانی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چاپ اول.
- فریادرس، و. ا. ۱۳۸۴. کشاورزی و سازمان جهانی تجارت جلد ۵ (مقررات دسترسی به بازار در بخش کشاورزی ایران)، وزارت جهاد کشاورزی، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، چاپ اول.
- فریادرس، و. ا. و مقدسی، ر. ۱۳۸۳. بررسی نظام تعرفه‌ای بخش کشاورزی طی دوره ۱۳۸۲-۱۳۶۱ فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۸.
- کیمیجانی و همکاران، ۱۳۸۰. مقررات دسترسی به بازار محصولات در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و اثر آن بر اقتصاد کشاورزی ایران، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- نوری، ک. و یزدانی، س. ۱۳۷۹. جهانی شدن اقتصاد و اثرات آن بر کشاورزی ایران: مطالعه موردی برنج و خرما، مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
- Carone, G. 1996. "Modeling the U.S. Demand for Imports Through Cointegration and Error-Correction." *Journal of Policy Modeling*. Vol. 18, No. 1, pp. 1-48.



- FAO, 2004. Socio-economic Analysis and Policy Implications of the Roles of Agriculture in Developing Countries, Research Program Summary Report. Roles of Agriculture Project, FAO, Rome, Italy.
- Goldstein, M., and Khan, M., 1976. Large versus Small Price changes and Demand for imports," IMF Staff Papers, No.3.
- Houtakker, H. S. and P. Magee, S., 1969. " Income and Price Elasticities in World Trade," The Review of Economics and Statistics, No.2.
- Miljkovic, D. 2004. "Trade Liberalization and Changing Compensation and Quality of Imports in Japan Beef Import Markets." Southern Agricultural Economics Association. 2004 SAEA Annual Meetings in Tulsa. Oklahoma. pp. 1-21.
- Mohsin Khan, 1974. " import and export demand in developing countries", IMF Staff paper, Vol 11, No. 3.
- Pingali, P. and Stringer, R., 2004. Agriculture's Contributions to Economic and Social Development. Electronic Journal of Agricultural and Development Economics 1, 1-5.
- Valdes, A. and Foster, W., 2005. Reflections on the Role of Agriculture in Pro-poor Growth, Paper prepared for the Research Workshop: The Future of Small Farms. Wye College, Kent.
- Zhou, S. 2001. " the power of cointegration tests versus data frequency and time spans". Southern Economic journal, 67(4).



## Factors affecting imports of agricultural sector in Iran Study of

valiolah Faryadras<sup>2</sup> & Seyedhamed Sadatbarikani

### Abstract

An import during the past three decades in the agricultural sector heavily has been influenced by non-tariff barriers. But in recent years, making implementation of the Article 115 of Third Law and paragraph (z) Article 33 of the Four Law (remove non-tariff barriers) importing food and agricultural products increased. Therefore, import control provided with the legal tools in order to avoid serious injury to domestic production has become of major concern to decision makers. Therefore, using time series data of 1982-2008, variables affect the import of agricultural intensification and the threats have been identified. Based on the results, exchange rate and oil revenues have a positive effect on imports and variables relative index of the wholesale price of imports, tariff and nontariff barriers index have a negative effect on imports.

**JEL: F13, Q17, Q18**

**Keywords: Import, Agriculture Sector, Tariff, Non tariff Barriers**

---

<sup>2</sup> MS of Agricultural Economics and Researcher of Planning, Agricultural Economic & Rural Development  
Email: Faryadras@gmail.com